

**رابطه میان سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی
در افراد بزهدار: نقش واسطه‌ای نظم‌جویی شناختی
هیجانی و حل‌مسأله اجتماعی**

مجتبی دهقان^{۱*}، جعفر حسنی^۲ و پریرا شریفی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و حل‌مسأله اجتماعی در روابط میان سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین‌فردی افراد دارای سابقه بزهداری بود. روش پژوهش توصیفی با طرح همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. جامعه پژوهش شامل مردان دارای سابقه بزهداری شهر شیراز بود که در زمستان ۱۳۹۶ در دامنه سنی ۲۰ - ۳۰ سال قرار داشتند. نمونه پژوهش با استفاده از روش گلوله برفی انتخاب شد و ۳۲۰ شرکت‌کننده وارد تحلیل نهایی شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی، شاخص روابط با همسالان، فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان و فرم کوتاه پرسشنامه حل‌مسأله اجتماعی استفاده شد. داده‌ها با روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. نتایج بیان‌کننده این بود که مدل علی برازش مناسبی داشت. طبق یافته‌ها، هر دو سبک دلبستگی ایمن و نایمن به واسطه افزایش نظم‌جویی هیجان سازگارانه و حل‌مسأله کارآمد، تبیین‌کننده کاهش مشکلات بین‌فردی بودند. همچنین، هر دو متغیر نظم‌جویی هیجان سازگارانه و حل‌مسأله کارآمد رابطه مستقیم و معناداری با مشکلات بین‌فردی افراد دارای سابقه بزهداری داشتند، اما واسطه گر رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین‌فردی نبودند. در مجموع، در نمونه افراد دارای سابقه بزهداری هر دو سبک دلبستگی ایمن و نایمن به واسطه افزایش به‌کارگیری راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان سازگارانه و حل‌مسأله کارآمد می‌توانند به کاهش مشکلات بین‌فردی این افراد کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: بزهداری، حل‌مسأله، دلبستگی، مشکلات بین‌فردی، نظم‌جویی هیجان

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه خوارزمی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران
mojtaba_dehqan@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷-۱۰-۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸-۰۶-۲۴

مقدمه

تجربه بزهکاری^۱ برخی مسائل فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. دشواری مهم در زندگی افراد بزهکار، مشکلات بین‌فردی^۲ است که می‌تواند سال‌ها پس از تجربه بزهکاری، همچنان دامن‌گیر این افراد باشد. مشکلات بین‌فردی را می‌توان در چگونگی قرار گرفتن فرد در پیوستاری از شاخص‌های عمده روابط بین‌فردی، شامل میزان کنترل‌گری و میزان تعلق^۳، معنا کرد، که می‌تواند موجب کوشش فرد برای جستجوی روان‌درمانی شود (کواینلان، دیان، کراو و کاپاتی^۴، ۲۰۱۸). به‌همین دلیل پژوهش حاضر برای تبیین مشکلات بین‌فردی افراد بزهکار از چارچوب نظریه دلبستگی^۵ استفاده کرد که مشکلات بین‌فردی را از زاویه انگیزشی قابل درک می‌داند، و سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را مطرح می‌کند (مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۹). زیرا کیفیت دلبستگی به مراقبان اولیه (لی، ری و ویلگرانا^۶، ۲۰۱۸) و اجبار والدینی با بزهکاری مرتبط است (بیرامی، هاشمی، پورشریفی و عندلیب کورایم، ۲۰۱۷).

دلبستگی ایمن متضمن روابط بین‌فردی سازگاران است، اما دلبستگی نایمن موجب آسیب دیدن کارکردهای بین‌فردی (کواینلان و همکاران، ۲۰۱۸)، فرونشانی هیجانات منفی و اتکای مداوم به بازنمایی‌های ذهنی تحریف شده از خود و دیگران می‌شود (مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۶). با وجود این، برخی مفهوم‌پردازی نظری و شواهد پژوهشی از کارکرد انطباقی و سازگاران سبک‌های دلبستگی نایمن در برخی بافت‌ها و موقعیت‌ها حمایت می‌کنند، به این صورت که انطباقی بودن رفتار دلبستگی باید با توجه به هزینه - فایده آن در بافت تکاملی مورد نظر ارزیابی شود (بلسکی^۷ ۱۹۹۹؛ نتلی^۸، ۲۰۰۶؛ این-دور، مایکولینسر، دوران و شیور^۹، ۲۰۱۰). به علاوه، الگوی دلبستگی شکل گرفته در فرد به عنوان یک نظام حمایتی و تنظیم‌کننده

-
1. delinquency
 2. interpersonal problems
 3. affiliation
 4. Quinlan, Deane, Crowe and Caputi
 5. attachment theory
 6. Lee, Rhee and Villagrana
 7. Belsky
 8. Nettle
 9. Ein-Dor, Mikulincer, Doron and Shaver

عواطف و پریشانی عمل می‌کند (اتکینسون و گلدبرگ، ۲۰۱۰) و کیفیت دلبستگی تعیین‌کننده شیوه پاسخ‌دهی فرد به هیجان‌ها است (پاسکازو و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، احتمالاً دلبستگی نه تنها به صورت مستقیم، بلکه به واسطه مکانیسم‌های هیجانی- رفتاری شامل راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان^۱ و حل‌مسأله^۲ نیز می‌تواند بر مشکلات بین‌فردی اثر بگذارد.

نظم‌جویی شناختی هیجان عامل مدیریت‌کننده بازشناسی و پاسخ‌دهی و تعدیل‌کننده تنش است (لی و چائی،^۳ ۲۰۱۹). کرایچ و گارنفسکی (۲۰۱۹) انواع راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان را در دو طبقه کلی سازگارانه و ناسازگارانه قرار می‌دهند. طبق شواهد، نظم‌جویی هیجانی ناسازگارانه با مشکلات بین‌فردی (هیر، روزنتال، گیگر و اریکسون،^۴ ۲۰۱۳)، دوسوگرایی و حساسیت شدید بین‌فردی، نیاز به توافق اجتماعی و فقدان جامعه‌پذیری (گروفالو، ویلوتی، زاواتینی و کاسان،^۵ ۲۰۱۷)، پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز (ویلوتی، کاسلمن، گروفالو و مک‌کنزی،^۶ ۲۰۱۷) مرتبط است. اما مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی با کارکردهای بین‌فردی کارآمد ارتباط مثبت (یولر، نالت، کانسنتینا، گریم، مونتگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۹) و با رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی دارد (زمانی، طارمیان و معتمد، ۲۰۱۸). در مجموع، احتمالاً نظم‌جویی شناختی هیجان بتواند مکانیسمی واسطه‌ای برای اثرگذاری غیرمستقیم کیفیت دلبستگی بر مشکلات بین‌فردی افراد بزهکار باشد.

افزون بر این، در ارتباط میان دلبستگی بزرگسالان با مشکلات اجتماعی (مینینگ، دیکسون، پالمیر-کلاس، کانلیف و تیلور،^۸ ۲۰۱۷)، به نظر می‌رسد که توانایی حل‌مسأله اجتماعی نیز مکانیسمی واسطه‌ای باشد؛ چرا که تفاوت افراد در تجارب روابط موضوعی اولیه می‌تواند توضیح‌دهنده تفاوت عملکرد آن‌ها در تکالیف حل‌مسأله - از جمله در موقعیت‌های بین‌فردی - باشد (مولر، ریمر، ویرانی، هابر و رانگی،^۹ ۲۰۱۷). شیوه‌های حل‌مسأله می‌تواند به انواع

1. cognitive emotion regulation
2. problem solving
3. Lee and Chae
4. Herr, Rosenthal, Geiger and Erikson
5. Garofalo, Velotti, Zavattini and Kosson
6. Casselman, Garofalo and McKenzie
7. Euler, Nolte, Constantinou, Griem and Montague
8. Manning, Dickson, Palmier-Claus, Cunliffe and Taylor
9. Müller, Riemer, Virányi, Huber and Range

کارآمد یا نارکارآمد طبقه‌بندی شوند (مخبری، درتاج و دره‌کردی، ۱۳۹۰). ابعاد حل‌مسأله اجتماعی با مشکلات بین‌فردی مرتبط هستند (آرسلان^۱، ۲۰۱۶). همچنین، حل‌مسأله کارآمد موجب کاهش رفتارهای ناسازگارانه می‌شود (بخشایش ودهقان زردینی، ۱۳۹۲). بنابراین، حل‌مسأله اجتماعی نیز می‌تواند در رابطه میان دلبستگی با مشکلات بین‌فردی نقش مکانیسمی واسطه‌ای را ایفا کند.

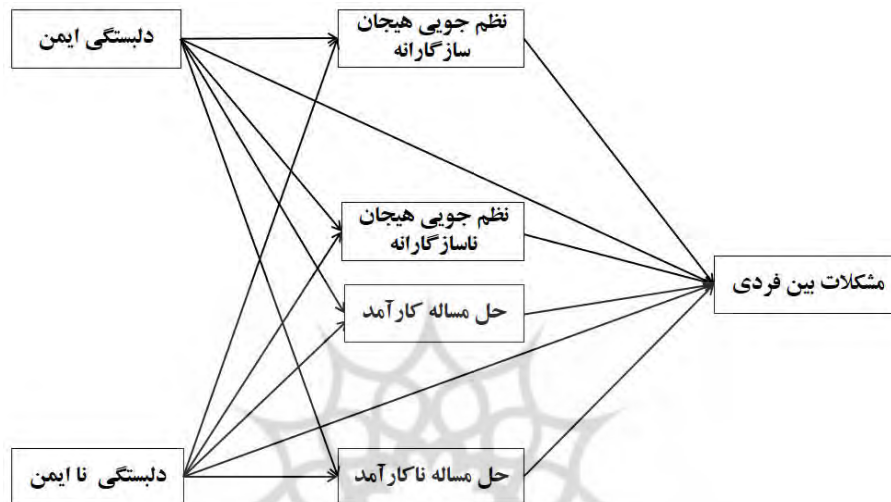
افزون بر این، در رابطه با اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش لازم است به سه نکته توجه شود: (۱) با توجه به اینکه درباره سبک‌های دلبستگی، «بافت^۲» یک عامل بسیار مهم و اثرگذار است (اتکینسون و گلدبرگ، ۲۰۱۰)، مطالعه موضوع پژوهش حاضر در بافت بزهکاران حائز اهمیت پژوهشی است و احتمال دارد کارکرد این سبک‌ها در بافت تعاملات افراد بزهکار به گونه متفاوتی باشد که نیازمند آزمون است. (۲) تاکنون پژوهش‌ها نقش مستقیم سبک‌های دلبستگی در تبیین مشکلات بین‌فردی را بررسی کرده‌اند، در حالی که مکانیسم‌های اثرگذاری سبک‌های دلبستگی بر مشکلات بین‌فردی (راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و راهبردهای حل‌مسأله اجتماعی) آزمون نشده است. (۳) با تأیید نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی هیجانی و حل‌مسأله اجتماعی، می‌توان برخی مداخلات کاربردی را برای تغییر اثرات این متغیرها در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی پیشنهاد داد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و حل‌مسأله اجتماعی در روابط میان سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین‌فردی افراد دارای سابقه بزهکاری بود. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ قابل مشاهده است. فرضیه‌های مدل پژوهش حاضر شامل موارد زیر است:

(۱) دلبستگی ایمن به واسطه نظم‌جویی شناختی هیجان و حل‌مسأله اجتماعی بر مشکلات بین‌فردی افرادی با سابقه بزهکاری اثر علی دارد.

(۲) دلبستگی نایمن به واسطه نظم‌جویی شناختی هیجان و حل‌مسأله اجتماعی بر مشکلات بین‌فردی افرادی با سابقه بزهکاری اثر علی دارد.

(۳) نظم‌جویی شناختی هیجان و حل‌مسأله اجتماعی بر مشکلات بین‌فردی افرادی با سابقه

بزهکاری اثر علی مستقیم دارند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر توصیفی با طرح همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. علت انتخاب طرح تحلیل مسیر این بود که طبق رویکرد بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶)، متغیرهای واسطه‌ای مکانیسم‌های اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته هستند. جامعه پژوهش، مردان دارای سابقه بزهکاری شهر شیراز بودند که زمستان ۱۳۹۶ در دامنه سنی ۲۰ - ۳۰ سال قرار داشتند. نمونه پژوهش با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شد و افرادی را شامل شد که دارای حداقل ۲ سال سابقه تجربه رفتارهای بزهکارانه بودند. برای انتخاب حجم نمونه، هنگامی که متغیرهای مشهود مدل بین ۱۰ - ۱۵ متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۰۰ - ۴۰۰ نفر باشد (کلاین^۲، ۲۰۱۱)، ولی در پژوهش حاضر به‌رغم وجود فقط ۷ متغیر مشهود، برای افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها، ۳۲۰

1. Baron and Kenny

2. Kline

شرکت‌کننده وارد تحلیل نهایی شدند. گردآوری داده‌ها در طی حدود ۳ ماه (زمستان ۹۶) و به صورت فردی انجام شد. در انتخاب نمونه، ابتدا ۱۲ نفر از افراد دارای سابقه بزهکاری از مناطق مختلفی از شهر شیراز شناسایی شدند. سپس، با دریافت کمک از سوی این افراد و نفرت بعدی، به صورت زنجیره‌وار همه افراد نمونه شناسایی شده و با آن‌ها ارتباط برقرار شد. از میان افراد انتخاب شده (بر اساس جنسیت مذکر، سن ۲۰ - ۳۰ سال، عدم ابتلا به اختلال یا بیماری جسمی شدید و مزمن)، پس از توضیح هدف پژوهش، رازداری پژوهشگر و محرمانه ماندن اطلاعات آن‌ها، ۳۶۳ شرکت‌کننده در پژوهش همکاری کردند که از آن‌ها درخواست شد با دقت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. در ادامه، ۵۳ شرکت‌کننده حذف شدند (۲۰ داده گم شده و ۲۳ داده پرت)، و برای مدیریت کمتر از ۵ درصد داده گم شده باقی مانده، از روش جایگزینی میانگین استفاده شد. ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل آزادی شرکت‌کننده نسبت به شرکت یا خروج از پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت مسائل احتمالی توسط پژوهشگران بود. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای Spss-۲۳ و ایموس^۱ انجام شد. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

۱) پرسشنامه دل‌بستگی کولینز و رید^۲: پرسشنامه سبک دل‌بستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، یک مقیاس خود گزارشی و مشتمل بر ۱۸ گویه است که در لیکرت ۵ درجه‌ای (نمرات ۰-۴) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس دارای ۳ زیرمقیاس شامل وابستگی^۳ (D)، نزدیک بودن^۴ (C)، و اضطراب^۵ (A) است که هر یک ۶ گویه دارند. مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۱ برای زیرمقیاس C، ۰/۷۸ برای D و ۰/۸۵ برای A تعیین شد (نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). بررسی شاخص‌های این ابزار توسط پاکدامن (۱۳۸۰) بر روی نمونه‌هایی از پسران و دختران در تهران انجام شد، که پایایی بازآزمایی و روایی این ابزار را به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۵۶ گزارش کرد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای دو مقیاس ایمن و نایمن به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۷۳ به دست آمد.

-
1. AMOS
 2. Colling Reid Attachment Questionnaire (RAAS)
 3. affiliation
 4. proximity
 5. anxiety

۲) شاخص روابط با همسالان^۱: این پرسشنامه را هادسون^۲ (۱۹۹۲) ساخته است، دارای ۲۵ گویه است و در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱=هرگز، ۷=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. گویه‌های ۱، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵-۱۸، ۲۱ و ۲۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان یا شدت بالاتر مشکلات است. در پژوهش هادسون (۱۹۹۲) روایی افتراقی مناسب، همسانی درونی بالا و خطای استاندارد پایینی برای این مقیاس گزارش شده است (نقل از صالحی، کوشکی، سپاه‌منصور و تقی‌لو، ۱۳۸۸). در اعتباریابی و تعیین ساختار عاملی این مقیاس توسط صالحی و همکاران (۱۳۸۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل‌های جهت‌گیری مثبت نسبت به مسأله، جهت‌گیری منفی نسبت به مسأله، حل منطقی مسأله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی، به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۸۰ و ۰/۷۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل این مقیاس ۰/۷۴ به دست آمد.

۳) فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان^۳: فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان گارنفسکی و کرایج را حسنی (۱۳۹۰) تهیه کرده است و ۱۸ ماده دارد و در لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=هرگز، ۵=همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. تحلیل مؤلفه اصلی ضمن تبیین ۷۵ درصد واریانس، از الگوی ۹ عاملی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان حمایت کرد. ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۸ - ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین، همبستگی بین خرده مقیاس‌ها بالا بود. در نهایت، الگوی همبستگی خرده مقیاس‌های فرم کوتاه نسخه فارسی این پرسشنامه با علائم افسردگی ($P < 0/001$) بیان‌کننده روایی ملاکی مقیاس بود (حسنی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای دو مقیاس نظم‌جویی هیجانی سازگاران و ناسازگاران به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۷ به دست آمد.

۴) فرم کوتاه پرسشنامه حل مسأله اجتماعی^۴: این فرم را دزاریلا، نیزا و مایدو-آلیورز^۵ (۲۰۰۲) تدوین کرد و ۲۵ گویه دارد، نمرگذاری آن در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=به هیچ

-
1. Index of Peer Relations (IPR)
 2. Hudson
 3. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire - Short Form (CERQ – P- Short)
 4. Social Problem Solving Inventory - Revised (SPSI-R)
 5. D’Zurilla, Nezu Maydeu-Olivares

وجه، ± 5 خیلی زیاد) انجام می‌شود، و ابعاد حل مسئله کارآمد (جهت‌گیری مثبت به مسئله و سبک منطقی) و ناکارآمد (جهت‌گیری منفی به مسئله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط و سبک اجتنابی) را شامل می‌شود. حل مسئله ناکارآمد به صورت وارونه نمره‌گذاری می‌شوند. پایایی بازآزمایی آن بین $0/68 - 0/91$ و ضریب آلفای کرونباخ آن بین $0/69 - 0/95$ گزارش شده است. روایی سازه آن با استفاده از همبستگی با دیگر مقیاس‌های حل مسئله و سازه‌های روان‌شناختی همپوش تأیید شد (نقل از مخبری و همکاران، ۱۳۹۰). مخبری و همکاران (۱۳۹۰)، آلفای کرونباخ $0/85$ و بازآزمایی $0/88$ را گزارش دادند و روایی این پرسشنامه نیز تأیید شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ دو مقیاس حل مسئله اجتماعی کارآمد و ناکارآمد به ترتیب $0/77$ و $0/72$ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ ابتدا شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد، و سپس برای بررسی مفروضه نرمال بودن، شاخص‌های چولگی و کشیدگی و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف گزارش شده است. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنف معنادار بود، اما با توجه به تعیین دامنه ± 3 برای چولگی و کشیدگی به عنوان حدود توزیع نرمال (حبیب‌پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۵)، مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها نشان‌دهنده تحقق مفروضه نرمال بودن توزیع است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی	کولموگروف - اسمیرنف آماره	معناداری
مشکلات بین‌فردی	۹۱/۹۴	۲۱/۸۵	-۱/۱۹	۱/۵۸۳	۰/۱۷	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن	۱۱/۱۳	۳/۲۹	-۰/۰۵۲	۰/۰۹۳	۰/۰۹	۰/۰۰۱
دلبستگی نا ایمن	۲۴/۱۲	۵/۷۸	-۰/۰۶۷	-۰/۲۹۰	۰/۰۷	۰/۰۰۱
نظم‌جویی هیجان سازگارانه	۲۶/۹۸	۶/۲۶	-۰/۳۲۸	۱/۵۵۸	۰/۱۲	۰/۰۰۱
نظم‌جویی هیجان ناسازگارانه	۲۱/۴۷	۴/۷۳	-۰/۶۱۴	۰/۴۳۳	۰/۱۰	۰/۰۰۱
حل‌مسئله اجتماعی کارآمد	۱۳/۳۰	۳/۳۶	-۰/۵۲۲	۱/۷۹۷	۰/۱۱	۰/۰۰۱
حل‌مسئله اجتماعی نا کارآمد	۱۱/۹۹	۲/۲۶	-۰/۵۸۲	۱/۰۶۳	۰/۱۱	۰/۰۰۱

طبق جدول ۲، نتایج آزمون همبستگی نشان داد که هر دو سبک دلبستگی ایمن و ناایمن با نظم‌جویی هیجانی سازگارانه و حل‌مسئله کارآمد رابطه مثبت معناداری دارند، اما رابطه آن‌ها با نظم‌جویی ناسازگارانه، حل‌مسئله ناکارآمد و مشکلات بین‌فردی معنادار نبود. همچنین، رابطه نظم‌جویی هیجانی سازگارانه و حل‌مسئله کارآمد با مشکلات بین‌فردی منفی و معنادار بود، اما رابطه نظم‌جویی ناسازگارانه و حل‌مسئله ناکارآمد با مشکلات بین‌فردی مثبت و معنادار بود.

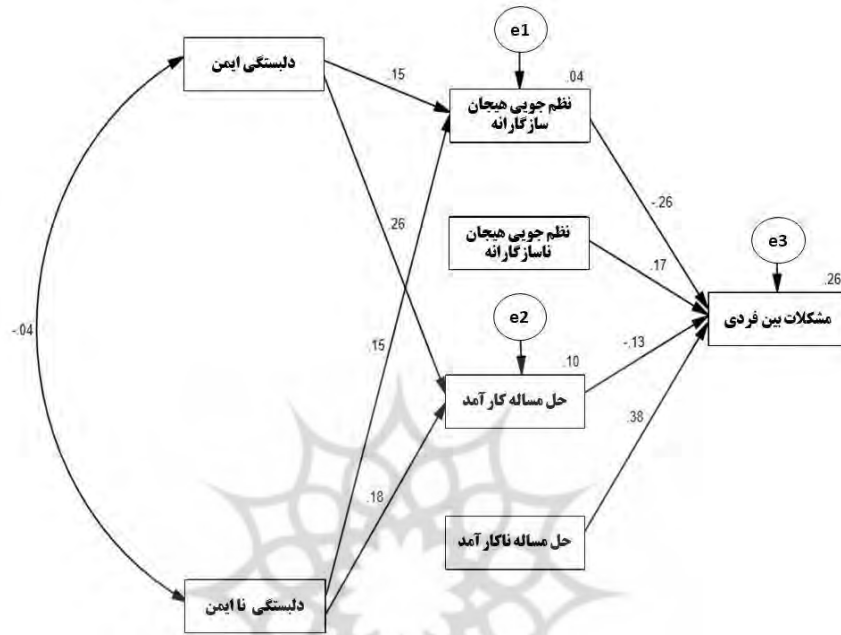
جدول ۲: ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. مشکلات بین فردی	-					
۲. دلبستگی ایمن	-۰/۱۰	-				
۳. دلبستگی نایمن	-۰/۰۹	-۰/۰۴	-			
۴. نظم‌جویی هیجان سازگارانه	-۰/۱۲*	۰/۱۴*	۰/۱۴*	-		
۵. نظم‌جویی هیجان ناسازگارانه	۰/۲۵**	۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۲۴**	-	
۶. حل مسأله اجتماعی کارآمد	-۰/۱۱*	۰/۲۵**	۰/۱۷**	۰/۵۵**	۰/۴۶**	-
۷. حل مسأله اجتماعی ناکارآمد	۰/۲۸*	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۴۵**	۰/۵۰**	۰/۵۹**

در ارزیابی مدل مفهومی اولیه، ضرایب برخی مسیرهای مدل ضعیف و غیرمعنادار بود. بنابراین، با توجه به اینکه مسیرهای مستقیم دلبستگی ایمن و دلبستگی نایمن به هر یک از متغیرهای نظم‌جویی هیجانی ناسازگار، حل مسأله اجتماعی ناکارآمد و مشکلات بین فردی معنادار نبود، این مسیرها از مدل حذف شدند، و ضرایب مسیر و شاخص‌های برازش مجدداً و به عنوان مدل نهایی تحلیل مسیر محاسبه شدند. شاخص‌های برازش مدل نهایی ($\chi^2/df=2/51$) نشان‌دهنده برازش نسبتاً مطلوب مدل است. (RMSEA=۰/۰۶۵ و GFI=۰/۹۲، JFI=۰/۹۰، CFI=۰/۹۱، NNFI=۰/۹۳، NFI=۰/۸۹)

شکل ۲، مدل تحلیل مسیر نهایی و جدول ۳، ضرایب استاندارد، مقدار T-Value و سطح معناداری مدل نهایی را نشان می‌دهند. طبق این نتایج، همه مسیرهای مدل نهایی تأیید شد. سبک‌های دلبستگی به واسطه افزایش نظم‌جویی هیجان سازگارانه و حل مسأله اجتماعی کارآمد تبیین‌کننده کاهش مشکلات بین فردی است. نظم‌جویی هیجان ناسازگارانه و حل مسأله اجتماعی ناکارآمد با مشکلات بین فردی در افراد بزهکار رابطه مستقیم معناداری داشتند، اما

واسطه‌گر رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی نبودند.



شکل ۲: مدل تحلیل مسیر نهایی

جدول ۳: تخمین ضرایب مسیر بارهای عاملی و معناداری آن‌ها در مدل تحلیل مسیر نهایی

معناداری	T-Value	ضرایب استاندارد	متغیر	سبک دلبستگی
۰/۰۰۸	۲/۶۴	۰/۱۴۵	نظم جویی هیجان سازگارانه	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۷	۲/۷۱	۰/۱۴۹	نظم جویی هیجان ناسازگارانه	سبک دلبستگی ناایمن
۰/۰۰۱	۴/۹۱	۰/۲۶۱	حل مسأله اجتماعی کارآمد	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۱	۳/۴۵	۰/۱۸۳	حل مسأله اجتماعی کارآمد	سبک دلبستگی ناایمن
۰/۰۰۱	-۵/۳۲	-۰/۲۵۷	مشکلات بین فردی	نظم جویی هیجان سازگارانه
۰/۰۰۱	۳/۵۹	۰/۱۷۳	مشکلات بین فردی	نظم جویی هیجان ناسازگارانه
۰/۰۰۶	-۲/۷۴	-۰/۱۳۲	مشکلات بین فردی	حل مسأله اجتماعی کارآمد
۰/۰۰۱	۷/۸۶	۰/۳۷۸	مشکلات بین فردی	حل مسأله اجتماعی ناکارآمد

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که دلبستگی ایمن به واسطه اثر علی مثبت بر نظم‌جویی شناختی هیجان‌سازگاران و حل‌مسأله اجتماعی کارآمد می‌تواند به کاهش مشکلات بین‌فردی منجر شوند. این یافته، با نتایج پاسکازو و همکاران (۲۰۱۲) و گودال و همکاران (۲۰۱۲)، مبنی بر اینکه دلبستگی ایمن به ترکیب یکپارچه‌ای از منابع شناختی و عاطفی منجر می‌شود که برای پاسخ‌دهی انطباقی و انعطاف‌پذیر در برابر هیجان‌ها به افراد کمک می‌کند، و همچنین، با نتایج یولر و همکاران (۲۰۱۹) و زمانی و همکاران (۲۰۱۸) همخوان است مبنی بر اینکه مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی رابطه مثبتی با کارکردهای بین‌فردی کارآمد و رابطه منفی با رفتارهای بزهکارانه دارد. در تبیین این یافته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که دلبستگی دارای کنش حمایتی و نظم‌دهی به عواطف و پریشانی‌های شخص (اتکینسون و گلدبرگ، ۲۰۱۰)، و راهی برای درک شیوه‌ای است که افراد هیجان‌ها را تجربه و نظم‌جویی می‌کنند (مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۹)، و افرادی با دلبستگی ایمن قادر به یکپارچه‌سازی منابع شناختی و عاطفی خود هستند تا به هیجان‌های خویش پاسخ‌های انطباقی و منعطفی ارائه دهند (پاسکازو و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه، افراد با بهره‌گیری از این نظام تنظیم‌کننده عواطف و منابع شناختی و عاطفی ناشی از دلبستگی ایمن، در پاسخ به موقعیت‌های هیجانی بین‌فردی اقدام به استفاده منعطف و انطباقی از راهبردهایی نظم‌جویی هیجانی سازگاران و حل‌مسأله کارآمد می‌کنند، که همین امر موجب کاهش مشکلات بین‌فردی و اجتماعی آن‌ها می‌شود. افزون بر این، فرد دارای دلبستگی ایمن چون میزان مناسبی از دردسترس بودن و پاسخ‌گو بودن را تجربه می‌کند (مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۶؛ کواپنلن و همکاران، ۲۰۱۸)، به یک الگوی فعال درونی باثبات از خود و دیگران دست می‌یابد (اتکینسون و گلدبرگ، ۲۰۱۰)، به همین دلیل، معمولاً موقعیت پیش‌آمده را بهتر می‌پذیرد، جهت‌گیری مثبت‌تری درباره آن دارد و با آن منطقی‌تر روبرو می‌شود. این موارد به حل‌مسأله مطلوب‌تر در رویارویی با مشکلات بین‌فردی و سازگاری بیشتر در روابط بین‌فردی منجر می‌شود.

همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی ناایمن به واسطه اثر علی مثبت بر نظم‌جویی شناختی هیجان‌سازگاران و حل‌مسأله اجتماعی کارآمد با کاهش

مشکلات بین‌فردی همراه است. این یافته پژوهش حاضر که بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و نظم‌جویی شناختی هیجان‌سازگاران رابطه مثبتی وجود دارد، با برخی شواهد پیشین (مولر و همکاران، ۲۰۱۷؛ مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۶؛ مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۹) ناهمخوان است که بر رابطه منفی دلبستگی ناایمن با نظم‌جویی هیجانی سازگاران و حل‌مسأله کارآمد مشکلات بین‌فردی تأکید دارند و همچنین با برخی شواهد و تبیین‌های ارائه شده توسط بلسکی (۱۹۹۹)، نتلی (۲۰۰۶) و این-ڈر و همکاران (۲۰۱۰) همخوان است که بر انطباقی بودن دلبستگی ناایمن در برخی موقعیت‌ها تأکید دارند. اگرچه در رویکرد کلاسیک باور بر این بود که دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی عوامل خطری برای مشکلات هیجانی و آسیب‌شناسی روانی هستند (مایکولینسر و شاور، ۲۰۱۶)، و تحقیقات زیادی نیز نشان‌دهنده معایب این دو سبک دلبستگی ناایمن بوده‌اند، اما بررسی‌های دقیق‌تر درباره این جهت‌گیری‌های ناایمن حاکی از مزایای انطباقی این دو سبک تحت شرایطی خاص بوده‌اند. در واقع، از دیدگاه رویکرد تکاملی، هر چیزی که در جامعه به گونه فراگیری وجود دارد - مانند دلبستگی ناایمن، احتمالاً دارای کارکردی انطباقی است (این-ڈر و همکاران، ۲۰۱۰). به بیان نتلی (۲۰۰۶)، این تغییرپذیری‌ها را می‌توان بر اساس سبک و سنگین کردن تناسب‌های متفاوت سود و زیان درک کرد. در واقع، شق‌های رفتاری را می‌توان با نوعی سبک - سنگین کردن، مورد ملاحظه قرار داد، یعنی به رغم اینکه صفت خاصی فواید کاملاً خالصی را فراهم نمی‌کند، اما می‌تواند ترکیبی از هزینه‌ها و فواید باشد، به گونه‌ای که ارزش بهینه آن صفت بستگی به تناسب آن با شرایط یک موقعیت خاص دارد (نتلی، ۲۰۰۶). افزون بر این، در حالی که رویکرد کلاسیک دلبستگی درباره سیستم دلبستگی بر کارکرد بقا تأکید داشت، بلسکی (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که اندیشه تکاملی مدرن بر نقش سیستم دلبستگی در ایجاد تناسبی خلاق (با موقعیتی خاص) تأکید دارد و اینکه ممکن است راهبردهای دلبستگی ناایمن تحت موقعیتی خاص به شکلی مولدانه سودمند باشند. این تأکید نتلی (۲۰۰۶) و بلسکی (۱۹۹۹) بر تناسب دلبستگی ناایمن با برخی موقعیت‌ها، همراستا با همان تأکید اولیه دیدگاه دلبستگی بر مفهوم «بافت» (اتکینسون و گلدبرگ، ۲۰۱۰) است که توجه کردن به موقعیت و بافت در تحلیل رفتار دلبستگی را متذکر شده بود؛ و احتمالاً در مطالعه حاضر نیز «بافت» رفتار دلبستگی، یعنی «سابقه بزهکاری» شرکت‌کنندگان است که توضیح‌دهنده رابطه مثبت دلبستگی ناایمن با نظم‌جویی هیجانی سازگاران و حل‌مسأله کارآمد

است. بنابراین، همچنان که بلسکی (۱۹۹۹) و این-ڈر و همکاران (۲۰۱۰) درباره برخی مزایای سبک‌های دلبستگی نایمن در برخی شرایط تأکید دارند، محتوای شناختی و عاطفی این سبک‌های نایمن در مورد افراد دارای سابقه بزهکاری می‌تواند موجب محتاط شدن آن‌ها نسبت به موقعیت‌های ارتباطی و اجتماعی پیش‌رو شود تا نسبت به هیجان‌ات و مسائل مرتبط با این موقعیت‌ها به گونه‌ای سازگارانه‌تر و کارآمدتر عمل کنند، که این امر نیز موجب کاهش مشکلات بین‌فردی و اجتماعی آن‌ها می‌شود.

طبق یافته‌های پژوهش حاضر هر دو متغیر نظم‌جویی شناختی هیجان ناسازگارانه و حل مسأله اجتماعی ناکارآمد با افزایش مشکلات بین‌فردی رابطه مثبت داشتند. در این مورد می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نظم‌جویی شناختی هیجان ناسازگارانه به دلیل مرتبط بودن با حساسیت شدید بین‌فردی، پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز (ویلوتی و همکاران، ۲۰۱۷)، می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌ها و موقعیت‌های مشکل‌ساز بین‌فردی شود؛ از سویی دیگر، چنانچه در زمان بروز چنین مسائلی، فرد از راهبردهای حل مسأله ناکارآمد استفاده کند، که شامل مواردی مانند سبک تکانشی و بی‌احتیاط است (مخبری و همکاران، ۱۳۹۰)، به احتمال بیشتری رفتارهای ناپخته و تکانشی را بروز می‌دهد و در نتیجه، درگیر افزایش مشکلات بین‌فردی می‌شود. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن حداقل در برخی بافت‌های خاص - مانند گروه‌های دارای سابقه بزهکاری - مستقیماً تعیین‌کننده مشکلات بین‌فردی نیست، بلکه نقش خود را به واسطه راهبردهای مطلوب نظم‌جویی هیجان و حل مسأله اجتماعی اعمال می‌کند.

پژوهش حاضر با برخی محدودیت‌ها، از قبیل عدم تفکیک کیفیت بافت و موقعیت بروز روابط بین‌فردی (بافت روابط میان افراد سالم، و بافت روابط میان افراد بزهکار) مواجه بود. در واقع، با تفکیک بافت و موقعیت برقراری رابطه بین‌فردی می‌توان به گونه‌ای دقیق‌تر تغییرپذیری شدت و جهت ارتباط بین متغیرها را در دو نوع بافت ذکر شده بررسی کرد. محدودیت دیگر این بود که نوع بزهکاری شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر مشخص نشده بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی محدودیت‌های ذکر شده را مدنظر قرار داده و به بررسی و آزمون آن‌ها اقدام کند. همچنین، مطلوب است که با مدنظر قرار دادن سبک‌های دلبستگی مسلط در روابط بین‌فردی افراد بزهکار، نسبت به تدوین بسته‌های نظم‌جویی هیجان

و حل مسأله برای این افراد اقدام شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان و سایر اشخاصی که در انجام پژوهش حاضر همکاری کردند، قدردانی می‌شود. لازم به ذکر است که این پژوهش بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام شده است.

منابع

- بخشایش، علیرضا و دهقان زردینی، راضیه (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت حل‌مسأله بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان. *مجله علوم رفتاری*، ۷(۴): ۳۴۷-۳۵۳.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوان*. رساله دوره دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: متفکران.
- حسینی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسش‌نامه نظم‌جویی شناختی هیجان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۹(۴): ۲۴۰-۲۲۹.
- زمانی، داوود، طارمیان، فرهاد و معتمد، نیما (۱۳۹۷). بررسی رابطه عوامل شخصیتی، تنظیم هیجان، شناخت‌های ضد اجتماعی، سلامت روان و حیطة‌های زندگی با رفتارهای بزهکارانه نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ۲۶(۱۱۵): ۹۲-۱۰۶.
- صالحی، مهدیه، کوشکی، شیرین، سپاه منصور، مژگان و تقی‌لو، صادق (۱۳۸۸). تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل‌مسأله اجتماعی: فرم کوتاه تجدید نظر شده. *تحقیقات روان‌شناختی*، ۱(۳): ۲۵-۳۹.
- مخبری، عادل، درتاج، فریبا و دره‌کردی، علی (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل‌مسأله اجتماعی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱(۴): ۵۸-۷۳.

- Arslan, C. (2016). Interpersonal problem solving, self-compassion and personality traits in university students. *Educational Research and Reviews*, 11(7): 474-481.
- Bakhshayesh, A. R. and Dehghan-Zardeini, R. (2014). Effectiveness of problem solving skill training on reducing of behavioral problems among student. *Journal of Behavioral Sciences*, 7 (4): 347-35 (Text in Persian).

- Baron, R. M. and Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51 (6): 1173-1182.
- Bayrami, M., Hashemi, T., Poursharifi, H. and Andalib, M. (2017). Fitness of causal- structural relationship of parental coercion and blame attributions with delinquency by mediating of cognitive and affective empathy in clients of correction centers. *social cognition*, 6(1): 40-62.
- Belsky, J. (1999). Modern evolutionary theory and patterns of attachment. In J. Cassidy P.R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 141–161). New York: Guilford Press.
- Ein-Dor, T., Mikulincer, M., Doron, G. and Shaver, F. R. (2010). The attachment paradox: How can so many of us (the Insecure Ones) have no adaptive advantages? *Perspectives on Psychological Science*, 5(2): 123-141.
- Euler, S., Nolte, T., Constantinou, M., Griem, J., Montague, P. R. & Fonagy, P. (2019). Interpersonal Problems in Borderline Personality Disorder: Associations with Mentalizing, Emotion Regulation, and Impulsiveness. *Journal of personality disorders*, 28 (3): 1-17.
- Garofalo, C., Velotti, P., Zavattini, G. C. and Kosson, D. S. (2017). Emotion dysregulation and interpersonal problems: The role of defensiveness. *Personality and Individual Differences*, 119: 96–105. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.07.007>
- Goodall, K., Trejnowska, A. and Darling, S. (2012). The relationship between dispositional mindfulness, attachment security and emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, 52 (5): 622–626.
- Habibpour Gotabi, K. and Safari Shali, Reza. (2016). *Comprehensive guide to SPSS application for surveying research*. Tehran: Publication of Motafakeran (Text in Persian).
- Hasani, J. (2011). The reliability and validity of the short form of the cognitive emotion regulation questionnaire. *Research in Behavioral Sciences. Educational Measurement*, 9(4): 229-240 (Text in Persian).
- Herr, N. R., Rosenthal, M. Z., Geiger, P. J. and Erikson, K. (2013). Difficulties with emotion regulation mediate the relationship between borderline personality disorder symptom severity and interpersonal problems. *Personality and Mental Health*, 7(3): 191–202.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. 3rd Ed. New York: Guilford.
- Kraaij V. and Garnefski N. (2019), The Behavioral Emotion Regulation Questionnaire: Development, psychometric properties and relationships with emotional problems and the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire,

- Personality and Individual Differences*, 137: 56-61. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.07.036>
- Lee, S. J. and Chae, H. (2019). Is the cognitive emotion regulation strategy related to Yin-Yang personality traits? *European Journal of Integrative Medicine*, 26: 24-30. <https://doi.org/10.1016/j.eujim.2019.01.004>
- Lee, S., Rhee, S. and Villagrana, M. (2018). Change in delinquency over time between adolescents with and without maltreatment experiences: Attachment and the school's role. *Children and Youth Services Review*, 86: 110-119.
- Manning, R. P. C., Dickson, J. M., Palmier-Claus, J., Cunliffe, A. and Taylor, P. J. (2017). A systematic review of adult attachment and social anxiety. *Journal of Affective Disorders*, 211: 44-59. DOI: 10.1016/j.jad.2016.12.020
- Meyers, L. S., Gamst, G. and Guarino, A. J. (2006). *Applied multivariate research design and interpretation*. London Sage.
- Mikulincer, M. and Shaver, P. R. (2016). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change (2)*. Guilford Press, New York.
- Mikulincer, M. and Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10. doi: 10.1016/j.copsyc.2018.02.006
- Mokhberi, A., Dortaj, F. and Dorekordi, A. (2011). Questionnaire, psychometrics, and standardization of indicators of social problem solving ability. *Educational Measurement*, 1(4): 58-73 (Text in Persian).
- Müller, C. A., Riemer, S., Virányi, Z., Huber, L. and Range, F. (2017). Inhibitory control, but not prolonged object-related experience appears to affect physical problem-solving performance of pet dogs. *Public Library of Science one*, 11(2): e0147753. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0147753>
- Nettle, D. (2006). The evolution of personality variation in humans and other animals. *American Psychologist*, 61 (6): 622-631.
- Pakdaman, S. (2001). *Investigating the relationship between attachment and socialization in adolescents*. PhD thesis Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran (Text in Persian).
- Pascuzzo, K., Cyr, C. and Moss, E. (2012). Longitudinal association between adolescent attachment, adult romantic attachment, and emotion regulation strategies. *Attachment Human Development*, 15(1): 83-103.
- Quinlan, E., Deane, F. P., Crowe, T. and Caputi, P. (2018). Do attachment anxiety and hostility mediate the relationship between experiential avoidance and interpersonal problems in mental health carers? *Journal of Contextual Behavioral Science*, 7: 63-71. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2018.01.003>
- Salehi, M., Koushki, S., Sepah Mansor, M. & Taghilou S. (2009). Identification of factor structure of social problem solving scale: revised short form.

Psychological Research, 1(3): 25-39 (Text in Persian).

Velotti, P., Casselman, R. B., Garofalo, C. and McKenzie, M. D. (2017). Unique associations among emotion dysregulation dimensions and aggressive tendencies: A multi-site study. *Violence and Victims Manuscript accepted for publication*, 32 (5): 791-810.

Zamani SD., Taremian F. and Motamed N. (2018). Relationship of personality factors, emotion regulation, antisocial cognition, mental health and life domain on juvenile delinquency behaviors. *Journal of Zanjan University of Medical Sciences*, 26 (115): 93-107 (Text in Persian).



Abstracts

Psychological Studies
Faculty of Education and Psychology,
Alzahra University

Vol.15, No.2
Summer 2019

**Relationship between Attachment Styles and Interpersonal
Problems of Delinquent People: The Mediating Role of
Cognitive Emotion Regulation and Social Problem Solving**

Mojtaba Dehghan*¹, Jafar Hasani ² and Parisa Sharifi³

Abstract

The purpose of this study was to investigate the mediating role of strategies of cognitive emotion regulation and social problem solving in the relationship between attachment styles and interpersonal problems of people with delinquency history. The research method was descriptive with the correlation based on path analysis. The research population included males with a history of delinquency in Shiraz, who were 20 to 30 years old in the winter of 2018. The sample has selected by using of Snowball method and 320 participants entered into the final analysis. The data were collected by using of Colling Reid Attachment Questionnaire (RAAS), Index of Peer Relations (IPR), Cognitive Emotion, Regulation Questionnaire - Short Form (CERQ – P- Short), and Social Problem Solving Inventory Revised (SPSI-R). Data were analyzed by using of path analysis. The findings indicated that the causal model had a goodness of fit. According to the findings, both secure and insecure attachment styles explained interpersonal problems, by increasing adaptive cognitive emotion regulation and efficient problem solving. Also, both variables of maladaptive cognitive emotion regulation and inefficient problem solving had a direct and significant relationship with the interpersonal problems of people with delinquency history, but did not mediate the relationship between attachment styles and interpersonal problems. In general, in the sample of people with a history of delinquency,

1. Corresponding author: Kharazmi University of Tehran, Department of Clinical Psychology. mojtaba66dehqan@gmail.com

2. Associate Professor, Kharazmi University of Tehran

3. MA in Psychology, Imam Khomeini International University

Submit Date: 2018-12-24 Accept Date: 2019-09-15

DOI: 10.22051/psy.2019.23717.1807

<http://psychstudies.alzahra.ac.ir>

..... Psychological Studies Vol.15 , No.2, Summer 2019

both of the secure and insecure attachment styles by increasing the use of adaptive cognitive emotion regulation and efficient social problem solving, can help to reduce the interpersonal problems of these individuals.

Keywords: *Delinquency, problem solving, Attachment, Interpersonal problems, Emotion Regulation*

